علی حصوری

خراسان و ماوراءالنهر (آسیای میانه)

آ. بلنیتسکی. ترجمه دکتر پرویز ورجاوند

تهران ۱۳۶۴ ــ ۱۶۰۰ ریال (نشر گفتار)

کتاب از مجموعهٔ تك نگاریهایی است که به‌همت یونسکو در مورد باستانشناسی نقاط مختلف جهان نوشته شده است و از آن میان تا به‌حال دو جلد در مورد ایران و چند جلد درباره تمدنهای مجاور یا مشترك با ایران منتشر شده است.

نویسندگان این مجموعهٔ غنی، همه از دانشمندان کارکرده و استاد در رشته کار خود بوده‌اند و چنان‌که مترجم در باره نویسندهٔ همین‌کتاب یعنی آلکساندر بلنیتسکی نوشته‌اند، او هم از دانشمندان متبحر در زمینه تمدن آسیای مرکزی است. از چاپ کتاب اصلی (متن انگلیسی) نزدیك بیست سال می‌گذرد. کتاب به‌فرانسه ترجمه شد و ترجمهٔ آقای دکتر ورجاوند از روی متن فرانسه است. اگرچه در این بیست‌سال‌معلومات جدید فراوانی بر مطالب این‌کتاب سبقت گرفته و گاهگاه حتی برخی از آنها رااصلاح کرده یا تغییر داده است، هنوز عمدهٔ مندرجات آن در زبان فارسی مطرح نشده وازاین جهت، ترجمهٔ آن مغتنم است. امـا اگـر مترجم معلومات جدیدی را می‌یافت و به آن می‌افزود، البته بـرای مردم ما کـه از کـاروان دانش دنیا فاصله‌ها دارند، مفیدتـر بود. مثلا در کتاب، مطلب بسیار کوتاهی راجـع به کشفیات قوی ــ قیریلقان قلعه آمده است امـا تاکنون لااقل بیست جلـد کتاب دربارهٔ آنجا و یـا غیر مستقیم در مورد آن به‌چاپ رسیده و دهها مقاله هریك به‌نحوی و از جهتی ــ کشفیات آن‌را مورد بازبینی و تفسیر قرارداده‌اند، امروزه تقریباً روشن شده است‌که بنای اصلی یك معبد ویك رصدخانه بوده است وازاین مطالب درکتاب بلنیتسکی خبری نیست.

همچنین متون خوارزمی که از قوی‌قیریلقان قلعه و جاهای دیگر به‌دست آمده، به‌دست باستانشناسان و زبانشناسان مورد تحلیل واقع شده و از آنها مطالب جالبی در مورد تقویم قدیم خوارزم، مناسبات ارضی و بازرگانی و رابطه تمدن خوارزم باتمدنهای همسایه، استخراج شده است‌که برای ما بسیار مغتنم است بویژه که ما از طریق‌ابوریحان، قبلا به‌برخی از این اطلاعات دسترسی داشته‌ایم و اکنون میتوانیم مطالب آثار الباقیه را درپناه کشفیات باستانشناسی بهتر ارزیابی کنیم. چنین است آثار نسا (مخصوصاً متون پارتی) که اطلاعات جالبی در مورد آغاز کار اشکانیان به‌دست می‌دهد و پنجکندومرو و چندین جای دیگر که ذکر همهٔ آنها در اینجا میسر نیست.

به‌زعم مترجم درمقدمه، حواشی و موخرهٔ کتاب، نویسندهٔ اصلی یعنی آ. بلنیتسکی «تحت تأثیر قالبهای پیش ساخته‌ای قرار می‌گیردکه.... در خط تأیید جـهان‌بینـی ماتریالیسم تاریخی.... حرکت می‌کند» (ص۶) و امثال او «بازیرکی هرچه تمامتر برآنند تا با قلب بسیاری از واقعیت‌های تاریخی، جدایی سرزمین‌های زیر سلطهٔ سیاسی

خودرا از سرزمین‌های مادر، به‌گونه دلخواه توجیه کنند.» (ص ۲و۳) بلینتسکی مثلا کوشیده است تا «بازیرکی خاصی... عنوان شناخته شده و مسلم ایرانی را از نام رستم بردارد و اورا از یك قهرمان ایرانی تنها به‌یك قهرمان آسیای مرکزی تبدیل کند» (ص ۲۲۳ توضیحاً عرض می‌شود که او رستم را قهرمان سکاها نامیده‌است.همان‌صفحه).

مترجم نام کتاب را تغییر داده و برخلاف گفتار خود درمقدمه که برای حفظ امانت، عناوین داخل کتاب را حفظ کرده است، این کار را نکرده و مثلا در آغاز بخش سوم (ص ۱۱۱) بجای آسیای مرکزی، خراسان بزرگ و ماوراءالنهر به‌کار برده است...*

مترجم در این حواشی و مؤخره کوشیده است‌که دسیسه‌های روسیه تزاری و اتحاد شوروی امروز را در مورد تجزیه ایران و حتی دیگر قسمت‌های جهان برملا سازد.

حال به‌نمونه های زیر که همه تلفظ‌های نادرست نام‌های مناطق اقوام و اشخاص سلف آسیای مرکزی و برخی از آنها حتی فارسی است توجه فرمائید:

آمان کوتان بجای آمان‌قوتان ص۶۱
تخت کرچه بجای تخته کرچه ص ۶۱
ژاوکسیور بجای گوکسیور ص ۶۶و۶۷
کاخك بجای کاخکه ص ۶۶
کل تمینار بجای کلته‌مینار (منار کلات) ص ۷۱.
تزبگیاب بجای تزه بغیاب یا فارسی‌تر تازه بغیاب ص ۷۲
کوکچا بجای گوگچه یاکوکچه ص ۷۲
دال ورزین را باید دالورزین نوشت
گولیامف بجای غلامف ص ۷۲
ساکا بجای سکا ص ۸۱ و مکرر پس از آن
گیور قلعه بجای گورقلعه (قلعهٔ گور) ص ۸۴
کلالی‌گیر بجای کله‌لی‌گر (قلعه لی‌گور؟) ص ۸۴
کیوزلی‌گیر بجای کوزلی‌گر (گوزلی‌گور؟) ص ۸۴
اویگارك بجای اویگاراخ ص ۹۸ و ۱۴۲
در عوض، کهن قلعه بجای کوخن قلعه ص ۱۰۵
کوی کریلگان قلعه بجای قوی قیریلقان قلعه (قلعه گله‌دران) ص ۱۵۷
خالچیان بجای خالچایان ص ۱۴۵
توپراك قلعه بجای توپراق قلعه ۱۴۳
کورم بجای قوروم یا گوروم ص ۱۴۶
هم سمیرچیه و هم سیمیرچیه ص ۱۶۹

* چون مسئلهٔ نامهای تاریخی جغرافیایی و مصطلحات جغرافیایی سیاسی قرن اخیر قابل بحث بصورت جدی‌تری است امیدواریم علاقه‌مندان و مطلعان دراین‌باره مطالبی بنگارند و برای درج در مجله بفرستند. (آینده)

آک‌تپه بجای آق تپه ص ۱۷۴
بولو بجای بلو ص ۱۷۴
باتیرتپه بجای باتر یا باتورتپه ص ۱۷۴
اکبشیم بجای آق بشیم
سبك ماهانی بجای سبك ماهایانی (منسوب به‌ماهایانه) ص ۱۷۸
اجنه تپه بجای آجیناتپه
پنجی کنت (اگرچه معمول شده) بجای پنجکند (تلفظ محلی panjakend) ص ۱۸۵

گذشته از این تعدادی از نام اشخاص و کتب و دیگر نامها هم درست نیست‌مثل:
وازیشکا بجای واسیشکا ص ۱۶۳
واسودووا بجای واسودوا ص ۱۶۳
نام قزاقی آلپسبااو بجای آلپیسبایف ص ۶۱
نام روسی کوفتن بجای کوفتین ص ۶۴ و ۶۷
کواشوان چینی بجای کوئه ـ شوان ص ۱۷۵
بودیساتوا بجای بودیستوه ص ۱۷۸
دیواستیچ بجای دیواستیچ ص ۱۸۶
پانچاتلنترا بجای پنچه‌تنتره ص ۲۲۵ و ۲۲۴
سیت‌ها بجای سکاها ص ۲۲۳

مترجم برخی از اصطلاحات عادی زمینهٔ کار خود را هم نمی‌شناسد مثل:
نوعی عقیق بجای عقیق (ص ۲۱۸). مترجم کارنلین یا کرنلین cornelian را نوعی عقیق ترجمه‌کرده‌اند و آنگاه آگات agate را عقیق، درحالی‌که باید برعکس می‌شد. کرنلین را در فارسی عقیق می‌گویند و نوع سرخ، زرد، سفید و... موجدار آن را (که بلورهایش باچشم غیر مسلح قابل تشخیص است) عقیق یمانی می‌نامند و آگات راکه عقیق خط دار و گاهی دارای خطوط یا نوارهای متحدالمرکز است به‌فارسی عقیق سلیمانی می‌نامند.

میدانیم که سکاها در تیره‌های مختلف درقسمت‌های شرق وشمال‌ایران‌می‌زیسته‌اند. دانشمندان جهان نامهای مختلفی به‌آنها داده‌اند اما برای ماکه ایرانی هستیم و آنهارا باید همخون وهم‌نژاد و حتی هم میهن باستانی خود بدانیم فرقی نمی‌کند. مترجم یك‌جا آن‌ها را ساکا (مکرر در کتاب) و جائی (ص ۲۲۳) بسبت و بالاخره در صفحه ۱۱۲ ساس نامیده‌اند. مترجم تلفظ چینی راکه به‌فرانسه Saces نوشته شده «ساس»ها خوانده‌اند و به‌راهنمائی‌هم که درکتاب بوده توجه نکرده‌اند. درمتن گفته شده «...که درصفحات پیش آن‌ها را شناختیم...» و در صفحات پیش سخن از هیچ نوع حشره‌ای نیست و بلکه مکرر از همان قوم سکا یاد می‌شود.[۱]

۱ــ به‌زبانهای مختلف این اقوام را سکا، سیت، اسکیت، اسکوت، اسکوف و اسکیف‌می‌گویند. درفارسی سکا و زبانهای آنها سکائی جا افتاده است.

در صفحه ۲۲۵، از ستاره‌بینی و ستاره‌شناسی صحبت شده است. چون من‌براساس متن انگلیسی قضاوت می‌کنم (متن فرانسه در دسترس نبود) احتیاطاً عرض می‌کنم‌که دواصطلاح داریم یکی aostrology که بایدآن‌را تنجیم‌ترجمه‌کرد ودیگر astronomy که باید نجوم ترجمه شود. در جهان قدیم، تعداد دانشمندانی‌که این دورا از هم متمایز می‌کردند بسیار اندك بود. در متن کتاب به‌انگلیسی نجوم به‌کار رفته است نه تنجیم و بنابراین ستاره‌بینی و ستاره‌شناسی درست یا لااقل دقیق نیست.

آینده‌ــ تقریباً نیمی است از مقالهٔ آقای حصوری. به‌ملاحظهٔ صرفه‌جویی کاغذ کوتاه شد.

***

سید علی ملکوتی

برگزیدهٔ مرصادالعباد نجم‌الدین رازی

انتخاب و مقدمه و فرهنگ لغات از: دکتر محمد امین‌ریاحی. انتشارات توس. بهمن۱۳۶۱. ۳۵۹صفحه.

نجم‌الدین ابوبکر عبدالله بن محمد شاهاور بن انوشیروان بن ابی النجیب الاسدی رازی به‌سال ۵۷۳ در شهر ری به‌دنیا آمد و در سال ۶۵۴ در بغداد درگذشت.[۱] او را به‌اختصار نجم‌الدین رازی می‌نامند و علاوه بر مشرب عارفانه و آثاری ازین دست«شاعر» هم هست. «تخلص او در پایان غزلها به‌صورت «نجم» یا «نجم رازی» است. او را به‌لقب «دایه» نیز نامیده‌اند، خود گفته است ص ۱۵» (ما دایهٔ دیگران و او دایهٔ ماست.) لطف این سخن برخوانندگان فرزانه پوشیده نیست، مریدان بسیاری در مکتب او پرورش یافته‌اند و از این رو به «دایه» معروف است.

اما اینکه چرا برگزیدهٔ مرصاد چاپ شده مصحح می‌نویسد: «متن کامل مرصاد‌ــ العباد را در سالهای ۳۶ تا ۳۹ برمبنای هشت نسخهٔ کهن خطی تصحیح کردم و حاصل کار در سال ۱۳۵۲ در مجموعهٔ متون فارسی از طرف بنگاه ترجمه و نشر کتاب منتشر گردید. طبیعی است که چنین متنی به‌علت کثرت نسخه بدلها و تفصیل مقدمه و حواشی و تعلیقات و توضیحات مفصل و ذکر منابع به‌کار محققان و پژوهندگان می‌آید و به‌این علت است که برای اهل ذوق و شیفتگان زبان و ادب فارسی که می‌خواهند از آثار پیشینیان بهره گیرند، برگزیده‌ای از آن کتاب را مناسب می‌داند که فارغ از دست‌انداز های لذت شکن حواشی و غیره، لذت ببرند. ص ۷.»

محتوای کتاب مرصادالعباد، بیان افکار صوفیانه و تحقیق در وضع زندگی و اندیشهٔ مردم آن روزگار به‌ویژه صوفیان است و از جهت شیوهٔ نگارش نثری روان و فصیح و بی‌تکلف دارد که مفاهیم اخلاقی و «فرهنگ صوفیانه» را به‌رواناترین شکل بیان

۱ــ الوافی بالوفیات صفدی متوفی در ۷۶۴، نسخهٔ خطی کتابخانهٔ ملك و ظاهراً به‌نقل از او در مجمل فصیحی ج ۲ ص ۲۶۲. مقدمهٔ مصحح ص ۳۱.